

درباره نقش و وظایف اتحادیه ها

* از: آثار منتخب لنین

* در یک جلد

* تجدید چاپ سال ۱۳۵۳ - ۱۹۷۴

* از انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور

* بازنویس: حجت برزگر

* تاریخ: ۱۳۸۱/۰۳/۲۸ برابر با ۲۰۰۲/۰۵/۱۸ میلادی

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

melh9000@yahoo.com و nasim@comhem.se

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	<u>درباره نقش و وظایف اتحادیه ها</u>
۴	۱. سیاست اقتصادی نوین و اتحادیه ها
۴	۲. اتحادیه ها و سرمایه داری دولتی در دولت پرولتری
	۳. بنگاههای دولتی که تابع اصل به اصطلاح خود
۵	حسابی میگردند و اتحادیه ها
	۴. مهمترین تمایز بین مبارزه طبقاتی پرولتاریا
	در کشوری که مالکیت خصوصی بر زمین و فابریک
	و غیره را تصدیق دارد و قدرت سیاسی در
	دست طبقه سرمایه دار است و مبارزه اقتصادی
	پرولتاریا در کشوری که مالکیت خصوصی بر زمین
	و بر اکثریت بنگاههای کلان را تصدیق ندارد
۶	و قدرت سیاسی آن در دست پرولتاریا است
۷	۵. بازگشت به عضویت داوطلبانه در اتحادیه ها
۸	۶. اتحادیه ها و اداره امور بنگاهها
	۷. نقش و شرکت اتحادیه ها در ارگانهای
۸	اقتصادی و دولتی کشور پرولتری
	۸. ارتباط با توده شرط اساسی

- هر گونه کار اتحادیه ها است
۹. تضاد در خود وضع اتحادیه ها
- ۱۱ بهنگام دیکتاتوری پرولتاریا
۱۲. ۱۰. اتحادیه ها و کارشناسان
۱۱. اتحادیه ها و نفوذ خرده بورژوازی
- ۱۳ در طبقه کارگر
- ۱۴ - ۱۲ توضیح

در باره نقش و وظایف اتحادیه ها

در شرایط سیاست اقتصادی نوین

تصویبنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست (ب) روسیه مورخه

۱۲ ژانویه سال ۱۹۲۲ (۳۳۲)

۱. سیاست اقتصادی نوین و اتحادیه ها

سیاست اقتصادی نوین یک سلسله تغییرات اساسی در وضع پرولتاریا، و بالنتیجه ایضاً در وضع اتحادیه ها، ایجاد میکند. قسمت اعظم وسائل تولید در رشته صنایع و حمل و نقل در دست دولت پرولتری باقی میماند. این وضع، همراه با ملی شدن زمین، نشان میدهد که سیاست اقتصادی نوین ماهیت دولت کارگری را تغییر نمیدهد ولی در اسلوبها و شکل های ساختمان سوسیالیسم تغییرات جدی وارد میسازد، زیرا مسابقه اقتصادی را بین سوسیالیسم که ساخته میشود و سرمایه داری که تلاش دارد خود را احیاء سازد بر زمینه ارضاء میلیونها دهقان از طریق بازار، مجاز می شمارد.

تغییرات وارده در شکل های ساختمان سوسیالیستی ناشی از این کیفیت است که حزب کمونیست و حکومت شوروی اکنون در تمامی سیاست انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم شیوه های خاصی از این انتقال را اجرا مینمایند و در یک سلسله از موارد بنحوی عمل میکنند که با سابق فرق دارد، یک سلسله مواضع را از طریق به اصطلاح «حرکت دورانی جدید» تصرف مینمایند، عقب نشینی میکنند تا بار دیگر آماده تر به تعرض علیه سرمایه داری بپردازند. از آن جمله اکنون بازرگانی آزاد و سرمایه داری مجاز شمرده شده و بسط مییابد و امور این بازرگانی و سرمایه داری توسط دولت تنظیم میگردد و از طرف دیگر بنگاههای سوسیالیستی شده دولتی تابع اصل به اصطلاح خود حسابی میشوند یعنی تابع اصل بازرگانی میگرددند و این امر در شرایط عقب ماندگی عمومی فرهنگی و فرسودگی کشور ناگزیر کما بیش کار را به آنجا خواهد کشاند که در ذهن توده ها هیئت مدیره این بنگاهها با کارگرانی که در آن بنگاه مشغول کارند در نقطه مقابل یکدیگر قرار گیرند.

۲. اتحادیه ها و سرمایه داری دولتی در

دولت پرولتری

دولت پرولتری، بدون آنکه ماهیت خود را تغییر دهد، میتواند آزادی بازرگانی و بسط سرمایه داری را فقط تا میزان معین و فقط در شرایطی مجاز شمارد که امور بازرگانی

خصوصی و سرمایه داری خصوصی از طرف دولت تنظیم گردد (نظارت، کنترل، تعیین شکلها، ترتیبات و غیره). موفقیت در امر چنین تنظیمی تنها منوط به قدرت دولتی نبوده بلکه بیش از آن بدرجه پختگی پرولتاریا و توده های زحمتکش بطور اعم و سپس سطح فرهنگ و غیره بستگی دارد. ولی، حتی در صورت موفقیت کامل در امر چنین تنظیمی هم، موضوع تقابل مصالح طبقاتی کار و سرمایه بالاترید باقی می ماند. بدین جهت یکی از عمده ترین وظایف اتحادیه ها از این پس عبارت است از دفاع همه جانبه و همه جهته از مصالح طبقاتی پرولتاریا در مبارزه اش علیه سرمایه. این وظیفه باید آشکارا در یکی از نخستین جاها قرار داده شود و دستگاه اتحادیه ها باید بر وفق این منظور تجدید سازمان یابد، تغییر شکل داده شود و یا تکمیل گردد (بایستی کمیسیونهای حل اختلاف و صندوقهای اعتصاب و صندوقهای تعاونی و غیره تشکیل گردد و یا بعبارت بهتر بتدریج تشکیل شود).

۳. بنگاههای دولتی که تابع اصل به اصطلاح خود

حسابی میگردند و اتحادیه ها

تابع شدن بنگاههای دولتی به اصل به اصطلاح خود حسابی بناچار و بطور ناگسستنی با سیاست اقتصادی نوین مربوط است و در آینده نزدیک این شیوه تفوق خواهد یافت و حتی ممکن است جنبه منحصراً بفرود بخود گیرد. این موضوع عملاً به معنای آنست که در شرایطی که آزادی بازرگانی مجاز شمرده شده و بسط مییابد، بنگاههای دولتی تا حدود زیادی بر اساس بازرگانی مبتنی میگردند. این کیفیت، که در اثر ضرورت کاملاً مبرم ارتقاء سطح بهره دهی کار و نیل به ضرر نکردن و سود آوری هر یک از بنگاههای دولتی و به مناسبت مصالح ناگزیر اداری و افزایش مساعی اداری ایجاد می شود، بناچار موجب پیدایش تقابل خاصی در منافع مربوط به شرایط کار در بنگاهها بین توده کارگر و مدیرانی میشود که بنگاههای دولتی یا اداراتی را که این بنگاهها بدانها تعلق دارند اداره میکنند. بهمین جهت اتحادیه ها در مورد بنگاههای سوسیالیستی شده بی شک موظف به دفاع از منافع زحمتکشان میباشند و باید در حدود امکان باعتلاء شرایط مادی زندگی آنها مساعدت نمایند و دائماً اشتباهات و زیاده روی های ارگانهای اقتصادی را، تا آنجا که ناشی از کج رویهای بوروکراتیک دستگاه دولتی است، اصلاح کنند.

۴. مهمترین تمایز بین مبارزه طبقاتی پرولتاریا

در کشوری که مالکیت خصوصی بر زمین و فابریک

و غیره را تصدیق دارد و قدرت سیاسی در

دست طبقه سرمایه دار است و مبارزه اقتصادی

پرولتاریا در کشوری که مالکیت خصوصی بر زمین

و بر اکثریت بنگاههای کلان را تصدیق ندارد

و قدرت سیاسی آن در دست پرولتاریا است

مادامکه طبقات وجود دارند مبارزه طبقاتی ناگزیر است. در دوران انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم وجود طبقات ناگزیر است و برنامه حزب کمونیست روسیه با صراحتی هر چه تمامتر حاکی است که ما تنها نخستین گامها را در امر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بر میداریم. به این جهت خواه حزب کمونیست و خواه حکومت شوروی و نیز اتحادیه ها باید تا زمانی که الکتریکی کردن صنایع و زراعت، ولو بطور کلی، به پایان نرسیده و بدین طریق کلیه ریشه های اقتصاد کوچک و تسلط بازار قطع نگردیده است، آشکارا وجود مبارزه اقتصادی و ناگزیری آنرا تصدیق کنند.

از طرف دیگر بدیهی است که هدف غائی مبارزه اعتصابی بهنگام سرمایه داری عبارت است از تخریب دستگاه دولتی و برانداختن قدرت دولتی طبقه معین. ولی در دوران دولت پرولتری از طراز انتقالی، که دولت ما از آنجمله است، هدف غائی هرگونه اقدام طبقه کارگر تنها میتواند عبارت باشد از تحکیم دولت پرولتری و قدرت دولتی طبقاتی پرولتاریا از طریق مبارزه با کج رویهای بوروکراتیک این دولت، با اشتباهات و ضعف های آن و با تمایلات طبقاتی سرمایه داران که از تحت کنترل این دولت خارج میگردند و غیره. به این جهت نه حزب کمونیست و نه حکومت شوروی و نه اتحادیه ها بهیچوجه نباید فراموش کنند و نباید از کارگران و توده های زحمتکش پوشیده نگاهدارند، که علت و توجیه مبارزه اعتصابی را در کشوری که قدرت دولتی آن در دست پرولتاریا است تنها میتوان کج رویهای بوروکراتیک در دولت پرولتری و وجود انواع بقایای نظام کهنه سرمایه داری در مؤسسات آن از طرفی و عدم رشد سیاسی و عقب ماندگی فرهنگی توده های زحمتکش از طرف دیگر دانست.

لذا، در مورد کشمکشها و مناقشات بین برخی از گروههای طبقه کارگر با برخی از مؤسسات و ارگانهای دولت کارگری، وظیفه اتحادیه ها عبارت است از کمک به رفع مناقشات بنحوی هر چه سریعتر و هر چه بی دردتر با تأمین حداکثر سود برای آن گروه کارگری که وی

نماینده آنست، ولی در حدودیکه این سود به زیان گروههای دیگر نباشد و برای بسط دولت کارگری و اقتصاد آن بطور کلی زیانبخش واقع نشود، زیرا تنها این بسط است که میتواند مبنائی برای رفاه مادی و معنوی طبقه کارگر بوجود آورد. تنها شیوه صحیح و سالم و مصلحت آمیز رفع کشمکشها و مناقشات بین برخی از بخشهای طبقه کارگر و مقامات دولت کارگری عبارت است از شرکت وساطت آمیز اتحادیه ها که به نمایندگی از طرف ارگانهای مربوطه خود بر اساس خواستها و پیشنهادهای دقیقاً فرمولبندی شده طرفین یا با ارگانهای اقتصادی ذینفع وارد مذاکره میگردند و یا اینکه قضیه را به مقامات عالیتر دولتی محول میکنند.

در موردی که عملیات نادرست ارگانهای اقتصادی و عقب ماندگی برخی از گروههای کارگری و فعالیت مفسده جویانه عناصر ضد انقلابی و یا سرانجام بی احتیاطی خود سازمانهای اتحادیه ای کار را منجر به مناقشات آشکار بصورت اعتصاب در بنگاههای دولتی و غیره نماید، وظیفه اتحادیه ها عبارت است از کمک به رفع هر چه سریعتر مناقشات از طریق اتخاذ تدابیر ناشی از خصلت کار اتحادیه ها یعنی اتخاذ تدابیری برای رفع نادرستی های واقعی و بی نظمیها و ارضاء خواستهای مشروع و قابل اجراء توده ها و تأثیر سیاسی در توده ها و غیره.

یکی از مهمترین و بی خطترین معیارهای صحت و موفقیت کار اتحادیه عبارت است از در نظر گرفتن آنکه تا چه حدی وی از مناقشات دسته جمعی در بنگاههای دولتی، از طریق سیاست دوراندیشانه خود در مورد حمایت واقعی و همه جانبه از منافع توده کارگر و رفع به موقع موجبات مناقشات جلوگیری مینماید.

۵. بازگشت به عضویت داوطلبانه در اتحادیه ها

فورمالیته منشی اتحادیه ها در مورد وارد کردن کلیه اشخاصی که بکار مزدوری مشغولند به اتحادیه ها، تا حدودی موجب کجرویهای بوروکراتیک در اتحادیه ها و جدا ماندن آنها از توده های وسیع اعضاء خود شده است؛ به این جهت ضروری است که عضویت داوطلبانه را، خواه در مورد ورود فردی و خواه در مورد ورود جمعی به اتحادیه ها، با قطعیتی هر چه تمامتر اجراء نمود. بهیچوجه نباید از اعضاء اتحادیه پیروی از نظریات معین سیاسی را خواستار شد؛ در این مورد و نیز در مورد رابطه با مذهب اتحادیه ها باید غیر حزبی باشند. از اعضاء اتحادیه در یک کشور پرولتری باید تنها درک انضباط رفیقانه و ضرورت اتحاد نیروهای کارگری برای دفاع از مصالح زحمتکشان و کمک به قدرت حاکمه زحمتکشان، یعنی حکومت شوروی را خواستار بود. دولت پرولتری باید گرد آمدن کارگران را در اتحادیه ها، خواه

از لحاظ حقوقی و خواه از لحاظ مادی، تشویق کند. ولی اتحادیه ها نباید دارای هیچگونه حقی باشند که در برابر آن تکلیفی بعهدہ نداشته باشند.

۶. اتحادیه ها و اداره امور بنگاهها

عمده ترین و اساسی ترین چیزی که پرولتاریا، پس از آنکه قدرت حاکمه دولتی را بتصرف در آورد در آن ذینفع میباشد، عبارت است از افزایش میزان محصولات و بالا بردن سطح نیروهای مولده جامعه بمیزان هنگفت. این وظیفه که در برنامه حزب کمونیست روسیه بصراحت بیان شده، بویژه اکنون در اثر ویرانی پس از جنگ و گرسنگی و فروپاشیدگی برای ما کسب شدت کرده است. لذا موفقیت هر چه سریعتر و پایدارتر و راه احیاء صنایع بزرگ شرطی است که بدون آن موفقیت کامل در امر رهائی کار از زیر یوغ سرمایه و پیروزی سوسیالیسم محال است و این موفقیت هم، بنوبه خود، در اوضاع و احوال کنونی روسیه بدون تردید تمرکز تمامی قدرت را در دست مدیریت کارخانه ها ایجاب مینماید. این مدیریت، که طبق قاعده عمومی بر اساس یکتا رئیسی ایجاد شده است باید هم تعیین میزان مزد و هم توزیع پول و جیره و لباس کار و انواع لوازم دیگر را بر اساس و در حدود قراردادهای کلکتیو منعقدہ با اتحادیه ها و با حداکثر آزادی مانور و مؤکدترین واری موفقیتهای واقعی در امر بالا بردن تولید و بی ضرری و سود آوری بنگاه و جدیتترین روش در انتخاب برجسته ترین و قابلترین مدیران و غیره بنحوی مستقل انجام دهد.

هرگونه مداخله مستقیم اتحادیه ها در اداره امور بنگاهها، در یک چنین شرایطی، باید بدون شک مضر و غیر مجاز شمرده شود.

ولی کاملاً نادرست است اگر این حقیقت غیرقابل انکار را به معنای نفی شرکت اتحادیه ها در سازمان سوسیالیستی صنایع و اداره امور صنایع دولتی تلقی کنیم. این شرکت به شکلهای دقیقاً تعیین شده ای که ذیلاً ذکر میگردد، ضروری است.

۷. نقش و شرکت اتحادیه ها در ارگانهای

اقتصادی و دولتی کشور پرولتری

پرولتاریا مبنای طبقاتی آن دولتی است که در آن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم انجام می گیرد. پرولتاریا در کشوری که دهقانان خرده پا در آن تفوق عظیم دارند تنها زمانی میتواند این وظیفه را با موفقیت انجام دهد که با لیاقت و احتیاطی هر چه تمامتر بتدریج

اتحاد با اکثریت قاطع دهقانان را عملی سازد. اتحادیه ها باید همکاران هر چه نزدیکتر و حتمی آن قدرت حاکمه دولتی باشند که پیشاهنگ آگاه طبقه کارگر، یعنی حزب کمونیست، آنها در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی رهبری می کند. اتحادیه ها، که بطور اعم مکتب کمونیسم هستند، باید بطور اخص مکتب اداره صنایع سوسیالیستی (و سپس بتدریج اداره زراعت) برای همه توده های کارگر و سپس برای همه زحمتکشان باشند.

با توجه به این احکام اصولی، باید شکل های اساسی زیرین شرکت اتحادیه ها در ارگانهای اقتصادی و دولتی کشور پرولتری را برای آینده نزدیک مقرر داشت:

۱. اتحادیه ها در تشکیل کلیه ارگانهای اقتصادی و دولتی، که به اقتصادیات مربوطند، شرکت می جویند و نامزادهای خود را، با ذکر سابقه و تجربه و غیره آنها، معرفی می کنند. حل مسئله منحصرأ با ارگانهای اقتصادی است که مسئولیت کامل کار ارگانهای مربوطه نیز با آنها است. ضمناً ارگانهای اقتصادی معرفی نامه ایرا که از طرف اتحادیه مربوطه برای کلیه نامزدها داده شده است در نظر میگیرند.

۲. یکی از مهمترین وظایف اتحادیه ها عبارت است از بالا کشیدن و آماده نمودن مدیرانی از بین کارگران و بطور کلی از بین توده های زحمتکش. اگر ما اکنون دارای دهها تن از این نوع مدیران صنایع که کاملاً رضایت بخش هستند و صدها تن از آنان که کمابیش رضایت بخش میباشند، هستیم در آتیۀ نزدیک برای ما از نوع اول صدها و از نوع دوم هزارها تن لازم خواهد بود. اتحادیه ها باید بمراتب دقیقتر و مصرانه تر از حالا کلیه کارگران و دهقانانی را که برای این نوع کار استعداد دارند بطور منظم در نظر گرفته و موفقیت آنها را در فرا گرفتن فن اداره کردن بطور وسیع و همه جانبه و مؤثر مورد واریسی قرار دهند.

۳. لازم است شرکت اتحادیه ها در کلیه ارگانهای نقشه پردازی کشور پرولتری و در تنظیم نقشه های اقتصادی و برنامه های تولید و در مصرف ذخائر مربوط به تأمین مادی کارگران و شرکت در تعیین آن بنگاههایی که به حساب دولت تأمین میگردند و به اجاره و یا امتیاز داده میشوند و غیره، تشدید گردد. اتحادیه ها بدون آنکه وظیفه مستقیم کنترل تولید را در کارخانه های خصوصی و یا اجاره ای بر عهده گیرند، شرکت خود را در تنظیم تولید سرمایه داری خصوصی منحصرأ از طریق شرکت در ارگانهای دولتی مربوطه عملی میسازند. این نوع فعالیت اتحادیه ها، علاوه بر شرکت آنان در کلیه امور فرهنگی و معارفی و در تبلیغات تولیدی، باید طبقه کارگر و توده زحمتکش را بمقیاسی هر چه پدرا مننه تر و عمیقتر به کلیه امور ساختمان اقتصاد دولتی جلب نماید و آنها را با کلیه شئون حیات اقتصادی و با کلیه شئون امور صنعتی، از تدارک مواد خام گرفته تا فروش محصولات، آشنا ساخته و همواره تصور مشخصتری، چه در باره نقشه واحد دولتی برای اقتصاد سوسیالیستی و چه در باره ذینفع بودن عملی کارگر و دهقان در اجراء این نقشه، بدست دهد.

۴. تنظیم نرخهای مزد و تعیین میزان خوار بار و غیره یکی از اجزاء ترکیبی ضروری کار اتحادیه ها در امور ساختمان سوسیالیسم و شرکت آنها در اداره امور صنایع است. از آنجمله دادگاههای انضباطی باید پیوسته انضباط کار و شکلهای با فرهنگ مبارزه در راه آن و در راه ارتقاء سطح بهره دهی را بالا ببرند و ضمناً بهیچوجه در وظایف دادگاههای ملی بطور کلی و در وظایف مدیریت مداخله ننمایند.

بدیهی است که این فهرست مهمترین وظایف اتحادیه ها در امر ساختمان اقتصاد سوسیالیستی باید به تفصیل بوسیله ارگانهای مربوطه اتحادیه ها و حکومت شوروی تشریح گردد. مهمترین نکته برای ارتقاء اقتصاد ملی و تحکیم حکومت شوروی آنستکه، با در نظر گرفتن تجربه کارهای فراوانی که از طرف اتحادیه ها برای تنظیم اقتصاد و اداره آن انجام گرفته و نیز اشتباهاتی که زیانش اندک نبوده و بشکل مداخله مستقیم و تدارک نشده و بدون صلاحیت و بدون مسئولیت اداره امور در می آمده است، بنحوی آگاهانه و با قطعیت تمام به منظور تعلیم عملی کارگران و همه زحمتکشان برای اداره اقتصاد ملی سراسر کشور بکار مجدانه و موثری پرداخته شود که برای سالیان درازی در نظر گرفته شده باشد.

۸. ارتباط با توده شرط اساسی

هر گونه کار اتحادیه ها است

ارتباط با توده، یعنی با اکثریت عظیم کارگران (و سپس تمام زحمتکشان)، مهمترین و اساسیترین شرط موفقیت هرگونه فعالیتی از جانب اتحادیه ها است. در سازمان اتحادیه ها و دستگاه اداری آنها از پائین تا بالاترین مقام آن باید سیستم کاملی از رفقای مسئول بوجود آید و عملاً و بر اساس تجارب سالهای مدید مورد واری قرار گیرد: این رفقا حتماً باید فقط از میان کمونیستها نبوده و باید در اعماق حیات کارگری زیسته سراپای این حیات را بشناسند و بتوانند در هر مسئله و هر لحظه حالت روحی توده و تمایلات واقعی و نیازمندیها و افکار وی را بدون خطا تعیین کنند و بدون ذره ای ایده آلیزه کردن مجعول بتوانند درجه آگاهی توده و قدرت نفوذ هرگونه خرافه و بقایای کهن را در وی تشخیص دهند و اعتماد بی پایان توده را از طریق ارتباط رفیقانه با وی و ارضاء دلسوزانه حوائج او جلب نمایند. یکی از بزرگترین مخوفترین خطرات برای حزب قلیل العده کمونیست که بعنوان پیشاهنگ طبقه کارگر، کشوری عظیم را اداره میکند که گذار به سوسیالیسم را (هنوز بدون پشتیبانی مستقیم کشورهای راقی تر) اجراء مینماید، عبارت است از خطر جدا ماندن از توده، خطر آنکه پیشاهنگ زیاد به پیش بتازد و «خط جبهه را همتراز نکند» و ارتباط محکم را با سراسر ارتش کار، یعنی اکثریت عظیم توده کارگر و دهقان حفظ ننماید. همانطور که بهترین فابریکها با عالی ترین

موتورها و مرغوب ترین ماشینها، در صورتی که مکانیسم آن در مورد ارتباط موتور با ماشین ها خراب باشد، بیکاره میماند، همانطور هم در صورتیکه مکانیسم ما در مورد ارتباط حزب کمونیست با توده ها - یعنی مکانیسمی که از اتحادیه ها عبارت است - بد ساخته شود یا بد کار کند، فلاکت ساختمان سوسیالیستی ما ناگزیر است. تنها توضیح دادن و بخاطر سپردن و تأیید این حقیقت کافی نیست، باید آنها را از لحاظ سازمانی در سراپای ساختمان اتحادیه ها و در کلیه کارهای روزمره آنها تحکیم نمود.

۹. تضاد در خود وضع اتحادیه ها

بهنگام دیکتاتوری پرولتاریا

از آنچه که گذشت یک سلسله تضاد بین وظایف مختلف اتحادیه ها ناشی می شود. از طرفی شیوه عمده عمل آنها عبارت است از اقناع و تربیت، از طرف دیگر آنها نمیتوانند، بمثابه شرکت کنندگان در قدرت حاکمه دولتی، از شرکت در بکار بردن شیوه اجبار نیز انصراف جویند. از طرفی وظیفه عمده آنها دفاع از منافع توده های زحمتکش به مستقیمترین و نزدیکترین معنای این کلمه است؛ از طرف دیگر آنها بعنوان شرکت کنندگان در قدرت حاکمه دولتی و سازندگان تمامی اقتصاد ملی، نمیتوانند از اعمال فشار انصراف جویند. از طرفی آنها باید بشیوه نظامی کار کنند، زیرا دیکتاتوری پرولتاریا بی امان ترین، مصرانه ترین و شدیدترین جنگ طبقات است؛ از طرف دیگر شیوه های خاص کار نظامی همانا بر اتحادیه ها از همه کمتر قابل انطباق است. از طرفی آنها باید بتوانند با توده ها و سطح معین آنها دمساز شوند؛ از طرف دیگر نباید بهیچوجه خرافات و عقب ماندگی توده را ترغیب کنند و باید پیوسته سطح آگاهی ویرا بالاتر و بالاتر برند و غیره و غیره. این تضادها تصادفی نیست و در عرض دهها سال هم نمیتوان آنها را بر طرف کرد. زیرا تا زمانی که بقایای سرمایه داری و تولید خرد وجود دارد تضاد بین این بقایا و جوانه های سوسیالیسم نیز ناگزیر در کلیه نظام اجتماعی موجود خواهد بود.

از اینجا دو نتیجه عملی حاصل می آید. نخست آنکه برای کار موفقیت آمیز اتحادیه ها درک صحیح وظایف آنها و ساختمان صحیح آنها کافی نیست؛ علاوه بر آن آداب مخصوصی لازم است، باید شیوه مخصوص نزدیک شدن به توده ها را در هر مورد مشخص بلد بود تا بتوان این توده ها را، با حداقل اصطکاک، از لحاظ فرهنگی و اقتصادی و سیاسی یک پله بالاتر برد.

نتیجه دوم آنکه تضادهای مشروح در فوق ناگزیر موجب بروز مناقشات، اختلافات و اصطکاکات و غیره خواهند شد. مقام عالی تری لازم است که به اندازه کافی با اتوریته باشد

و بتواند این اختلافات را فوراً حل کند. چنین مقامی حزب کمونیست و اتحادیه بین المللی احزاب کمونیست کلیه کشورها یعنی کمینترن است.

۱۰. اتحادیه ها و کارشناسان

احکام اساسی مربوط به این مسئله در برنامه حزب کمونیست روسیه بیان شده است. ولی اگر توجه مکرری به واقعیاتی که درجه اجراء این احکام را نشان میدهد مبذول نگردد، این احکام بر روی کاغذ خواهند ماند. این واقعیات در ایام اخیر عبارتند از: اولاً موارد قتل مهندسین بوسیله کارگران در معادن سوسیالیستی شده نه فقط در اورال بلکه همچنین در دنباس؛ ثانیاً، خودکشی سر مهندس اداره کل لوله کشی مسکو و. و. اولدنبگر بمناسبت شرایطی که کار را غیر ممکن میساخت و ناشی از رفتار خارج از صلاحیت و غیر مجاز اعضاء حوزه کمونیستی و ارگانهای حکومت شوروی بوده است، این جریان کمیته اجرائیه مرکزی روسیه را واداشت که این پرونده را برای رسیدگی به دادگاه احاله نماید.

گناه حزب کمونیست و بطور کلی حکومت شوروی در مورد این پدیده بمراتب بیشتر است تا گناه اتحادیه ها. ولی اکنون مسئله بر سر تعیین درجه جرم سیاسی نیست بلکه بر سر استنتاج های معین سیاسی است. اگر همه مؤسسات رهبری ما، یعنی هم حزب کمونیست و هم حکومت شوروی و هم اتحادیه ها بدین نتیجه نائل نیایند که ما هر کارشناسی را، که از روی وجدان کار میکند و کار خود را میداند و بدان عشق و علاقه دارد، ولو از لحاظ مسلکی بکلی از کمونیسم هم بیگانه باشد، چون مردمک چشم خود حفظ کنیم، در آنصورت از هیچگونه موفقیت جدی در امر ساختمان سوسیالیستی کوچکترین صحبتی هم نمیتواند در میان باشد. با آنکه ما هنوز به این زودی ها نخواهیم توانست، ولی بهر قیمتی هست باید کاری کنیم که کارشناسان، که قشر خاص اجتماعی هستند و در آینده نیز تا نیل به عالیترین درجات تکامل جامعه کمونیستی قشر خاصی خواهند ماند، از لحاظ مادی و حقوقی و از جهت همکاری رفیقانه با کارگران و دهقانان و از لحاظ معنوی، یعنی از جهت رضایت از کار خود و درک سود اجتماعی آن که از آرایش منافع مغرضانه طبقه سرمایه دار عاری است، در زمان سوسیالیسم بهتر از زمان سرمایه داری زندگی کنند. احدی راضی نخواهد شد اداره ای را که در آن کار از روی نقشه ایکه نتایجی عملی برای تأمین همه جانبه کارشناسان و تشویق بهترین آنان و دفاع و حمایت از منافع آنان و غیره ببار آورد، انجام نگیرد بمثابه اداره ای بشناسد که وضع در آن تا حدی تحمل پذیر است.

اتحادیه ها باید نه از لحاظ منافع اداره معین بلکه از لحاظ منافع کار و اقتصاد ملی بطور اعم نیز کلیه کارهای ناشی از این انواع فعالیت را اداره کنند (و یا آنکه منظمأ در کار

مربوطه همه ادارات شرکت جویند). اتحادیه ها در مورد کارشناسان سنگینترین و دشوارترین کارها را بر عهده دارند زیرا باید در وسیعترین توده های زحمتکشان، برای ایجاد روابط متقابل صحیح بین آنان و کارشناسان تأثیر کنند و تنها چنین کاری ممکن است نتایج عملی واقعاً جدی بدست دهد.

۱۱. اتحادیه ها و نفوذ خرده بورژوازی

در طبقه کارگر

اتحادیه ها تنها هنگامی واقعی هستند که قشرهای بسیار وسیع کارگران غیر حزبی را متحد سازند. نتیجه ناگزیریکه بویژه در کشوری که در آن دهقانان تفوق عظیمی دارند، از اینجا حاصل می آید اینستکه آن اعمال نفوذهای سیاسی که روبنای بقایای سرمایه داری و تولید کوچک هستند، بخصوص بین اتحادیه ها جنبه نسبتاً پایداری بخود میگیرند. این نفوذها نفوذهای خرده بورژوائی است، یعنی از طرفی اس ار و منشویکی (نوع روسی احزاب انترناسیونال دو و دو نیم) و از طرف دیگر آنارشویستی؛ تنها در بین این جریانها است که تعداد مشهودی از افراد باقی مانده اند، که از سرمایه داری نه بر اثر انگیزه های طبقاتی سود ورزانه بلکه از لحاظ مسلکی دفاع می کنند و هنوز به معنای مافوق طبقاتی «دموکراسی» و «برابری» و «آزادی» بطور اعم، که از طرف سرمایه داری موعظه میشود، باور دارند.

وجود بقایای (و گاهی هم احیاء) این قبیل اندیشه های خرده بورژوائی در بین اتحادیه های ما همانا معلول علت اجتماعی - اقتصادی مذکور در فوق بوده و بهیچوجه معلول نقش گروههای جداگانه و بطریق اولی معلول نقش افراد جداگانه نیست. بدین جهت، خواه حزب کمونیست و خواه مؤسسات شوروی، که بکار فرهنگی - تهذیبی مشغولند، و خواه کلیه کمونیستها باید در اتحادیه ها توجه بمراتب بیشتری به مبارزه مسلکی با نفوذهای خرده بورژوائی و جریانات و انحرافات موجوده در میان اتحادیه ها مبذول دارند، - بخصوص آنکه سیاست اقتصادی نوین نمیتواند تا حدودی به تقویت سرمایه داری نیانجامد. در مقابل این امر تقویت مبارزه علیه نفوذهای خرده بورژوائی در طبقه کارگر، ضرورت مبرم دارد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست (ب) روسیه.

از ۳۰ دسامبر سال ۱۹۲۱ تا ۴ ژانویه

سال ۱۹۲۲ برشته تحریر در آمد.

در ۱۷ ژانویه سال ۱۹۲۲ در شماره ۱۲

روزنامه «پراودا» بچاپ رسید.

* توضیح

(۳۳۲) مسئله مربوط به نقش و وظائف اتحادیه های کارگری در شرایط سیاست اقتصادی نوین در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (ب) روسیه در ۲۸ دسامبر سال ۱۹۲۱ مورد بررسی قرار گرفت. متن طرح تصویبنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست (ب) روسیه در باره اتحادیه ها از طرف لنین نوشته شده بود.

تزه های مزبور از طرف پولیت بورو کمیته مرکزی در ۱۲ ژانویه سال ۱۹۲۲ بررسی و به اتفاق آراء تصویب گردید و بهمین صورت به کنگره یازدهم حزب پیشنهاد گردید. کنگره یازدهم حزب ترها را به اتفاق آراء تصویب کرد.